

مطالعه تطبیقی «کرامت انسان»

از منظر سیره رضوی و مبانی اومانیسم

دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۲ پذیرش: ۱۳۹۶/۲/۲۵

سید عبدالله اصفهانی^۱، خاطره یوسفی^۲

چکیده

یکی از مسائل اساسی در حوزه انسان‌شناسی که به‌نوبه خود آزمون‌ی در نشان‌دادن برتری‌های یک مکتب فلسفی-اجتماعی بر سایر مکاتب و اندیشه‌های رقیب است، تبیین ماهیت «کرامت انسان» و خاستگاه، اهمیت و دستاوردهای انسانی، دینی، اخلاقی، حقوقی، اجتماعی و... آن است. مقاله حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و تطبیقی به بررسی تطبیقی مؤلفه‌های نظری و عملی «کرامت انسان» از منظر انسان‌شناسی دینی امام‌رضا (علیه‌السلام) با مبانی انسان‌شناسی اومانیسم پرداخته است. توسعه افق اندیشه و حقیقی‌طلبی یک مسلمان بر حقایق عینی و باطنی، منحصر نبودن منابع معرفتی در حس و تجربه و توسعه آن بر منابع وحیانی در راستای تشخیص عمیق‌تر مصداق‌های حق و باطل و خیر و شر، اشمال «کرامت انسان» بر دو حوزه «ذاتی» و «اکتسابی و ارزشی»، نشأت‌گرفتن کرامت ذاتی و اکتسابی انسان از خداوند، قابلیت سلب اختیاری کرامت ذاتی انسان از سوی خویش، اشمال کرامت انسان افزون بر حوزه معنوی، فردی و اخروی بر ساحت‌های مادی، دنیوی، اجتماعی و حکومتی؛ زیربنا بودن انسانیت انسان و روبنا بودن نیازهای مادی، نفسانی و غریزی‌اش؛ منافات نداشتن مجازات‌های اسلامی با کرامت انسان و... از اساسی‌ترین برتری‌های نظری و کاربردی کرامت انسان از منظر انسان‌شناسی دینی آن امام‌همام و دستاورد و نوآوری ویژه مقاله حاضر شمرده می‌شود.

کلیدواژه‌ها: کرامت انسان، انسان‌شناسی امام‌رضا (علیه‌السلام)، سیره رضوی، مبانی انسان‌شناسی اومانیسم، مطالعه تطبیقی.

۱. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی امل (نویسنده مسئول): esfahaniquran@gmail.com
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی امل: khaterreh.yosefi1725@gmail.com

۱. مقدمه و پیشینه مسئله

اندیشیدن دربارهٔ سعادت انسان، عدالت اجتماعی و... بدون کنکاش از ماهیت، مبانی و لوازم «کرامت انسان» خیال‌پردازی است. از این‌رو، یکی از اساسی‌ترین موضوعات انسان‌شناسی که آزمونی در نشان‌دادن برتری‌های یک مکتب فلسفی اجتماعی بر سایر اندیشه‌های رقیب است، تبیین ماهیت «کرامت انسان» و خاستگاه، اهمیت و دستاوردهای انسانی، اخلاقی، حقوقی، اجتماعی و... آن است.

«کرامت ذاتی انسان» در آیین اسلام برخاسته از دمیدن روح الهی در اوست که وی را اقتضای شایستهٔ مقام خلیفه‌الهی و پذیرش امامت الهی و مسجود فرشتگان کرده است؛ چنان‌که تفسیر «کرامت اکتسابی انسان» در آموزه‌های قرآن و روایت جلوه‌گر است. سیره و سخنان علی بن موسی الرضا (علیهما السلام) نیز جلوه‌ای رسا و گویا از کرامت انسان است. از سوی دیگر، مکاتب فلسفی - اجتماعی بشر که چاره‌ای جز تعامل با اندیشه‌های انسان و صد البته مشحون از نادانسته‌ها و ناتوانسته‌های فردی و اجتماعی‌اند، به فراخور مبانی و اصول نظری و عملی خویش، تابلویی از ماهیت «کرامت انسان» و دستاوردهای آن تصویر نموده‌اند.

پیرامون مسئله «کرامت انسان» آثار و منابع فراوانی در حوزه‌های فلسفی، حقوقی، دینی، فقهی و... نوشته شده است و مقاله‌های فراوانی مفاهیم و موضوعات مرتبط با کرامت انسان را مطرح کرده‌اند. «معیار کرامت انسان در قرآن و روایات» نوشتهٔ احمد صادقیان و «تحلیل مفهومی کرامت در قرآن» نوشتهٔ فاطمه طباطبایی و... از آن جمله است. مقاله‌های دیگر کرامت انسان را از منظر برخی از بزرگ‌ترین عالمان مسلمان کنکاش نموده‌اند؛ مانند «سعادت و کرامت انسان از دیدگاه امام خمینی» و ملاک و معیار کرامت انسان از دیدگاه ایشان. دسته‌ای دیگر از مقاله‌ها به مقایسهٔ تطبیقی کرامت انسان در اسلام و سایر ادیان آسمانی یا اندیشمندان غربی پرداخته‌اند. در مقالهٔ حاضر با رویکرد توصیفی - تحلیلی و تطبیقی، پس از کشف حداکثری مؤلفه‌های کرامت انسان، به‌طور خاص از منظر امام‌رضا (علیه السلام) (که به‌طور مستقیم در سخنان و

سیره حضرتش و به‌طور غیرمستقیم در قرآن و روایات سایر معصومان (علیهم‌السلام) مطرح است) به مقایسه تطبیقی «مؤلفه‌های نظری و عملی کرامت انسان در سخنان و سیره خطاناپذیر امام‌رضا (علیه‌السلام)» با «مبانی اومانیسیم» پرداخته و از این رهگذر به تفاوت و تبیین ضعف‌های یکی از مهم‌ترین مکاتب فلسفی-اجتماعی غرب اشاره شده است. نوآوری ویژه مقاله حاضر در نشان‌دادن برتری‌های نظری و کاربردی کرامت انسان از منظر انسان‌شناسی حضرت رضا (علیه‌السلام) - و نه از نظر همه منابع اسلامی - در مقایسه با مبانی انسان‌شناسی اومانیسیم است.

۲. معناشناسی واژه «کرامت» در لغت

«کرامت» از مصدر «کرم» است. مؤلف التحقیق فی کلمات القرآن کرامت را به‌مفهوم «عزت و تفوق در نفس و ذات شی» می‌داند، در حالی که «مفهوم استعلا و برتری نسبت به اشیای دیگر در آن لحاظ نشود»^۱. وی می‌افزاید: «بهره‌مندی عبد از این صفت شایسته‌انگه حاصل می‌شود که از پستی‌ها و ذلت‌های مادی و معنوی دوری گزیند و توفیق و علو نفسانی و عزت باطنی بیابد و این مفهوم تحقق نمی‌یابد مگر از طریق تقرب به خداوند و تقلیل تعلقات مادی و وابستگی به ملاء الاعلی»^۲ (مصطفوی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۰: ۴۹ و ۵۱ و ۵۳).

راغب اصفهانی معنای کرم را مشابه معنای حریت دانسته، مگر آنکه حریت به محاسن کوچک و بزرگ اطلاق می‌شود، ولی کرم جز بر محاسن (نیکی‌ها و نیک‌ها) بزرگ اطلاق نمی‌شود^۳ (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق: ۴۳۱). همچنین وی در اکرم و اشرف افعال را آن‌گاه محقق می‌داند که به قصد رضای خداوند انجام شود.^۴ (همان).

۱. المعنی الکلی الجامع فی هذه الموارد و هو عزه فی ذات الشی من دون استعلا بالنسبه الی الغیر.
 ۲. ثم ان حظ العبد من هذه الصف کریمه، ان یتنزه عن الهوان و الذلة المادیة و الروحانیة و ان یتفوق فی نفسه و عزیزاً فی باطنه و هذا المعنی لا یتحصل الا بالتقرب المعنوی من الله عز و جل بتقلیل العلائق و التعلقات المادیة و بالتعلق بالملاء الاعلی.
 ۳. قال بعض العلما: الکرّم کالحرّیه إلا ان الحرّیه قد تقال فی المحاسن الضغیره و الکبیره و الکرّم لا یقال الا فی المحاسن الکبیره.
 ۴. و قوله ان اکرمکم عند الله اتقاکم، فانما کان كذلك لان الکرّم، الافعال المحموده و اکرمها و اشرفها ما یقصد به وجه الله.

ابن‌منظور نیز می‌نویسد: «کرامت، اسمی برای بزرگ‌منشی است.» (ابن‌منظور، ۱۴۰۸ق: ۵۱۲).

قاموس‌القرآن نیز در این زمینه می‌نویسد: «کرم ضدّ لثامت و به‌معنای سخاوت است»^۱. در ادامه می‌نویسد: «لفظ کرم و کرامت و یا فعل آن دو در هر کجا از قرآن آمده، با در نظر گرفتن تناسب محل، به یکی از معانی چهارگانه: «شرافت» (= بزرگواری، منزلت، ارزشمندی)، «نفاست» (= نفیس و گرانبودن)، «عزت» و «سخاوت» با مصداق‌های آن مانند عظیم، بزرگ، محترم، نیکوکار و... به‌کار رفته است.» (قرشی بنابی، ۱۳۷۱: ذیل واژه).

در زبان فارسی برای واژه «کرامت» معادل‌های گوناگونی مانند «ارزش، بزرگواری، انسانیت، منزلت، جوانمردی و سخاوت ذکر شده است» (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱: ذیل مدخل کرم).

مستفاد از تحلیل واژه‌شناسانه دربارهٔ واژه «کرامت» آن است که کرامت دلالت بر ارزش، اصالت و برتری وجودی هر موجود دارد و از آنجا که مرتبه و غنای وجودی موجودات متفاوتند و از پایین‌ترین مرتبه جمادی تا بالاترین مرتبه (کمال مطلق بالفعل که خداوند است) در نوسان است، از این‌رو، مرتبهٔ وجودی و غنای وجودی موجودات، شکل‌دهنده به کرامت و مرتبهٔ کرامت آنان است. از سویی «کرامت انسان» مشتمل بر دو نوع «ذاتی» و «اکتسابی» است.

«کرامت ذاتی» اختصاص به همهٔ انسان‌ها دارد، به‌طوری‌که همهٔ انسان‌ها بدون هیچ استثنایی به‌دلیل برخورداری از روح الهی و نیروی عقل و اختیار، از مرتبهٔ وجودی خاصی برخوردارند. از این‌رو، از عزّت، شرافت، علوّ نفسانی و پیراستگی از فرومایگی بهره‌مندند، لیکن انسان‌ها می‌توانند با کاربست مدبرانهٔ نیروی عقل و اختیار، استعداد‌های انسانی و تحصیل قرب الی‌الله، به بالاترین مراتب وجودی و کرامت انسانی دست یابند که از آن به «کرامت انسانی» و ارزشی یاد می‌شود (جعفری، ۱۳۷۰: ۲۷۹).

۱. الکرم، ضدّ اللؤم.

میراحمد و کمالی، ۱۳۹۳: ۹ تا ۷). ارزش غایی و نهایی انسان به وسیله همین قسم از کرامت تحقق می‌یابد (جعفری، ۱۳۹۰: ۸۰).

۳. «کرامت انسان» از منظر انسان‌شناسی امام‌رضا (علیه‌السلام)

پس از بررسی اجمالی مفهوم «کرامت انسان» در قرآن، برآنیم تا مؤلفه‌ها (شئون و ابعاد) کرامت انسان در سخنان و سیره امام‌رضا (علیه‌السلام) را بررسی کنیم تا در نهایت با مقایسه تطبیقی دیدگاه‌های آن امام همام با اصول و مبانی اومانیسم، به برتری‌های نظری و کاربستی اندیشه‌های ایشان در این حوزه فایق آییم.

آنچه از تتبع گسترده در آموزه‌های رضوی به دست آمده آن است که از منظر حضرتش کرامت انسان صبغه عقلانی، انسانی و دینی (اعتقادی، اخلاقی، حقوقی، اجتماعی و سیاسی) دارد و مشتمل بر شئون و مؤلفه‌های نظری و عملی است.

مراد از «مؤلفه‌های نظری کرامت انسان» مفاهیمی است که به تعیین خاستگاه و منشأ کرامت انسان می‌پردازد. در این قسم از مباحث در پی کنکاش آن هستیم که بدانیم انسان‌ها به چه دلیل کرامت دارند و کرامت آدمی از چه منشأ و منبعی دریافت شده است. لیکن منظور از «مؤلفه‌های عملی کرامت انسان» پژوهش از لوازم انسانی و دینی (حقوقی، اخلاقی، اعتقادی و سیاسی) برخاسته از کرامت ذاتی انسان است.

*اساسی‌ترین مؤلفه‌های نظری کرامت انسان از دیدگاه حضرت رضا (علیه‌السلام)

۱. انسان خلیفه‌الله، برگزیده خداوند، مظهر همه صفات و اسمای الهی و کریم‌ترین آیاتش.

در جهان‌بینی اسلامی، انسان به دلیل دمیده‌شدن روح الهی در او (حجر/ ۲۹)^۱ خلیفه خداوند در زمین (بقره/ ۳۰)^۲ و تابلوی کامل همه صفات و اسمای الهی و مستجمع صفات متقابل مانند رحمت و غضب، بطون و ظهور، اولیت و آخریت و سخط و رضا به‌عنوان جانشینی از مستخلف‌عنه (خداوند) است (موسوی خمینی، ۱۳۸۸: ۴۹ تا ۵۱).

امام خمینی (ره) در این زمینه می‌فرماید: انسان اسم اعظم الهی و خلیفه خدا در همه عوالم است و انسان کامل از آن حیث که کون جامع و خلیفه خدا در زمین و نشانه او در همه عوالم است، کریم‌ترین آیات الهی و بزرگ‌ترین حجت اوست (همان: ۱۶۷).

حسین بن خالد از حضرت امام رضا نقل می‌کند که آن حضرت ضمن تایید این مطلب که ائمه (علیهم‌السلام) مظاهر صفات و اسمای الهی‌اند فرمود: «حق تعالی اسم‌هایی از اسمای خود را به بندگان خود داده، لیکن به اختلاف معانی، چنانچه یک اسم را دو معنی مختلف باشد»^۳، بدین ترتیب، از منظر حضرت، کرامت ذاتی انسان مبتنی بر مظهر اسم و صفات الهی بودن انسان است.

۲. بهره‌مندی از قوه عقل به‌عنوان عنایت و موهبت الهی به انسان

عقل به‌مفهوم خودآگاهی انسان و دستاوردهای ادراکی عقل که به‌وسیله عقل نظری (ادراک واقعیات یعنی هست و نیست‌ها و اعتقاد به حق و باطل در مدرکات انسانی) (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۰: ۱۹۹) تحصیل می‌شود و مربوط به سه حوزه طبیعیات، ریاضیات و الهیات است. همچنین آنچه از طریق عقل عملی در حوزه بایدها و نبایدها درک و بدین‌وسیله رفتار آدمی کنترل می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۱۵۳) نشانه‌ای از کرامت ذاتی انسان است. از این‌رو، علامه طباطبایی آیه تکریم (اسرا/ ۷۰) را

۱. «وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي».

۲. «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً».

۳. «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَلَزَمَ الْعِبَادَ أَسْمَاءَ مِنْ أَشْمَانِهِ عَلَى الْخْتِلَافِ الْمَعْنَايِ وَ ذَلِكَ كَمَا يَجْمَعُ الْإِسْمُ الْوَاحِدَ مَعْنَيْنِ مُخْتَلِفَيْنِ».

به اعطای عقل به انسان تفسیر نموده است (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۸: ۱۵۶).

در روایات معصومان (علیه السلام) کرامت انسان شامل شئون عقل نظری نیز هست. به تعبیر دیگر، آگاهی انسان از معارف الهی برخاسته از آموزه‌های نبوت و رسالت اولیای الهی، از شئون نظری کرامت انسان شمرده شده است. از این رو، علی (علیه السلام) پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) را مایه کرامت امت دانسته‌اند (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۹). نیز پیامبر (صلی الله علیه و آله) هدف بعثت خویش را تکریم مکارم اخلاق دانسته‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۶: ۲۱۰).

حضرت رضا (علیه السلام) نیز یکی از مؤلفه‌های کرامت انسان را نقش عقل در کسب معرفت و عبادات الهی بر شمرده و در خطبه توحید فرمودند: «به وسیله عقل، معرفت خداوند تحصیل می‌شود»^۳. نیز می‌افزایند: «اولین مرتبه عبادت خداوند متعال، معرفت اوست»^۴ (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۴۹).

همچنین سخنان و سیره عقل‌گرایانه حضرت که در آنها نقش عقل در کمال انسان و برتری‌هایش نشان داده می‌شود، دلالت بر نقش عقل در تأمین کرامت انسانی از منظر ایشان دارد. حضرت در حدیثی در خصوص معیارهای دهگانه خردگرایی کامل انسان، می‌فرماید: عقل انسان مسلمان کامل نمی‌شود مگر آنکه در آن ده ویژگی باشد^۵ (ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۴ ق: ۸۰۴). چنان‌که می‌توان به سیره عقل‌گرایانه حضرت در مناظره‌های علمی با اندیشمندان ادیان و فرق مختلف استناد کرد (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۷۹ - ۱۹۰).

۱. «جَعَلَهُ اللهُ بِلَاغاً لِرِسَالَتِهِ وَ كَرَامَةً لِّأُمَّتِهِ...».

۲. «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ».

۳. «و بِالْعُقُولِ تُعْتَقَدُ مَعْرِفَتُهُ».

۴. «أَوَّلُ عِبَادَةِ اللهِ تَعَالَى مَعْرِفَتُهُ».

۵. «لَا يَتِمُّ عَقْلُ امْرِءٍ مُسْلِمٍ حَتَّى تَكُونَ فِيهِ عَشْرُ خِصَالٍ».

۳. بهره‌مندی از قوه اختیار و آزادی اراده به‌عنوان موهبت الهی

از منظر دینی، آزادی انسان چه در عرصه فردی و چه اجتماعی، آنگاه منجر به کرامت و سعادت وی می‌شود که تحت تدبیر عقل و وحی قرار گیرد و به فضایل عالی انسانی منجر شود.

در بخشی از روایت فضل‌بن‌شاذان از امام‌رضا(علیه‌السلام) نقل شده: «و افعال بندگان، آفریده‌شده خداوند متعال است، به خلقت تقدیری و نه خلقت تکوینی(یعنی مخلوق زدر افعالشان مکره و مجبور نیستند) و خداوند خالق هر چیزی است و قول به جبر و تفویض ندارد» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲: ۴۵۰) بلکه قول صحیح امر بین امرین است؛ یعنی انسان مختار است در فعل و ترک عملی و اقدار الهی و هدایت و توصیه الهی، سلب قدرت و اختیار از انسان نمی‌کند. به همین دلیل حضرت در بیان دیگری می‌فرماید: «و نافرمانی نمی‌کنند او را از روی قهر و غلبه و اطاعت نمی‌کنند او را از روی اکراه و اجبار.» (همان، ج ۱: ۱۱۵).

۴. بهره‌مندی انسان از «فطرت الهی» به‌عنوان موهبت خداوند

از منظر حکمت الهی، بینش‌ها و گرایش‌های فطری انسان که از مؤلفه‌های نظری کرامت انسان محسوب می‌شوند، چهار قسم‌اند:

الف) گرایش به حقیقت‌جویی و تمایل فطری به فراگیری نادانسته‌ها که منشأ تولید علوم و دانش‌های اکتسابی بشر است.

ب) گرایش به فضایل عالی انسانی که منشأ تولید صفات و افعال اخلاقی انسان‌ها مانند نیکی‌ها، خیرخواهی برای دیگران و... است.

۱. «وَأَنَّ أَعْمَالَ الْعِبَادِ مَخْلُوقَةٌ لِلَّهِ خَلَقَ تَقْدِيرًا لَا خَلْقَ تَكْوِينٍ وَ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَ لَا يَقُولُ بِالْجَبْرِ وَ التَّفْوِيزِ الْخَيْرَ».
 ۲. «و لَمْ يُعْصِ مَغْلُوبًا وَ لَمْ يُطَعْ مُكْرَهًا».

ج) گرایش به جمال مطلق یا زیبایی‌ها که منشأ تولید هنر و زیبایی‌های معنوی و اخلاقی در انسان‌هاست.

د) گرایش به کمال مطلق که منشأ هرگونه کمال‌خواهی و عشق به کمال مطلق یعنی خداگرایی و خداباوری است (سبحانی، ۱۳۵۳، ۴۸ تا ۵۱).

از این‌رو، همه انسان‌ها در کنه ضمیرشان حقیقت‌جو، عاشق فضایل عالی انسانی، زیبایی، کمالات و در نهایت خداگرا و خداپورند و همین فطرت مشترک آنان را صاحب «کرامت ذاتی» کرده است.

در تفسیر قمی به نقل از هیثم‌بن عبدالله رومانی از امام‌رضا (علیه‌السلام) - و از طریق پدر و اجداد آن بزرگوار - از امام باقر (علیه‌السلام) روایت شده که در ذیل آیه «فَطَرَتُ اللَّهُ الَّذِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» (روم/۳۰). فرمود: «آن فطرت عبارت است از لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، عَلَى وَلى اللَّهِ و توحید تا اینجاست»^۱. حدیث فوق به انضمام مقدمات عقلی، علمی و نقلی مبنی بر اینکه فشرده همه آموزه‌های دینی اعم از اعتقادی، اخلاقی و فقهی و چکیده همه گرایش‌ها و بینش‌های موجود در سرشت بشر، ریشه در فطرت انسان دارد، به دلالت تضمّن، منعکس‌کننده دیدگاه حضرت رضا (علیه‌السلام) در خصوص مفاد فوق (فطری‌بودن اعتقاد به توحید الهی، نبوت پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و ولایت علی (علیه‌السلام)) است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۱۶: ۴۱۸ تا ۴۳۰).

***مهم‌ترین مؤلفه‌های عملی (دینی، اخلاقی و حقوقی) کرامت انسان از دیدگاه امام‌رضا (علیه‌السلام)**

۱. پذیرش ولایت مطلقه و عبودیت او (مؤلفه دینی کرامت)

۱. «هُوَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، عَلَى وَلى اللَّهِ، إِلَى هَيْهِنَا التَّوْحِيدِ».

از دیدگاه امام رضا (علیه السلام) پذیرش ولایت مطلقه خداوند، از طریق پذیرش ولایت و اطاعت اولیای الهی و عبودیت و شناخت خداوند (توحیدمحوری) به عنوان اولین مرتبه عبادت، از مؤلفه‌های کرامت انسان شمرده می‌شود. حضرتش در ضمن روایتی فرموده‌اند: خداوند تنها و تنها حق ولایت بر مردم و برخورداری از اطاعت آنان را بر ایشان (اولیای الهی) مقرر داشته که آن هم به مصلحت مردم و راهنمایی آنها در راه راستی است که کرامت دنیا و آخرتشان را تضمین می‌کند (ر.ک: معروف الحسنی، ۱۳۸۲، ج ۲: ۳۶۶). همچنین حضرت به استناد آیه ۱۳ حجرات^۱ که تقوا را تأمین کننده کرامت انسان معرفی می‌کند، فرموده‌اند: «دشووارترین عبادت، تقوا و پرهیزگاری است.»^۲ (حویزی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۳۰). همچنین فرمودند: اولین مرتبه عبادت، شناخت خداوند است^۳ (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۲) زیرا اساس شناخت خداوند، توحیدمحوری است «اصل معرفة الله توحیده.» (همان).

– مؤلفه‌های دینی – اخلاقی کرامت از منظر امام رضا (علیه السلام)

۲. شکرگزاری خداوند و سپاسگزاری از انسان‌ها

امام رضا (علیه السلام) در روایتی، شکرگزاری از خدا و خلق را در ردیف اطاعت و تقوای الهی دانسته و آن را از مؤلفه‌های کرامت انسانی می‌داند: «خداوند فرمان داده سه چیز همراه سه چیز دیگر انجام شود... به سپاسگزاری از خودش و پدر و مادر فرمان داده است؛ پس کسی که از پدر و مادرش سپاسگزاری نکند، خدا را شکر نکرده است. به تقوای الهی فرمان داده و به صلۀ رحم؛ پس کسی که صلۀ رحم انجام ندهد، تقوای الهی را انجام نداده است.»^۴ (ابن بابویه، ۱۴۱۴ق: ۱۵۶).

۱. «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاهُمْ».

۲. «إِنَّ أَشَدَّ الْعِبَادَةِ الْوَرَعَ».

۳. «أَوَّلُ عِبَادَةِ اللَّهِ مَعْرِفَتُهُ».

۴. «إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ أَمَرَ بِثَلَاثَةِ مَعْرُوفٍ بِهَا ثَلَاثَةٌ أُخْرَى... : وَأَمَرَ بِالشُّكْرِ لِوَالِدَيْهِ، فَمَنْ لَمْ يَشْكُرْ وَالِدَيْهِ لَمْ يُشْكِرِ اللَّهَ، وَأَمَرَ بِاتِّقَاءِ اللَّهِ وَصِلَةِ الرَّحِمِ، فَمَنْ لَمْ يَصِلْ رَحِمَهُ لَمْ يَتَّقِ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ».

۳. صیانت از عزت و آبروی انسان‌ها

یسع بن حمزه از حضرت رضا(علیه‌السلام) نقل می‌کند: حضرت در برابر درخواست یکی از شیعیانش که در میان جمعیت فراوانی که گرد حضرت بودند، برخاست و طلب کمک مالی کرد تا وقتی که به شهرش برسد به دلیل مستحق نبودن، از طرف حضرت صدقه بدهد، با تعبیر دلنشین و اخلاقی فرمود: «رحمک الله» و از او تفقد و درخواست کرد تا بنشیند. وقتی بیشتر حاضران رفتند، حضرت به اتاق دیگر رفت و پس از لختی از بالای در مبلغ دویست دینار را به آن شخص عطا نمود و فرمود: «لازم نیست از سویس صدقه بدهد.» و نیز فرمود: «اکنون بیرون برو تا یکدیگر را نبینیم.» در ادامه، حضرت در پاسخ یکی از حاضران که از علت روی پوشاندن از مرد سائل را پرسید، فرمودند: «از دیدن نشانه‌های خفت و کوچکی در چهره او بیم داشتم. مگر سخن رسول گرامی اسلام را نشنیده‌ای که فرمود: «هر کس نیکی خود را بیوشاند، پاداش او هفتاد حج است.»» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ۲۴).

۴. صیانت از کرامت فرودستان

یاسر خادم حضرت نقل می‌کند: امام(علیه‌السلام) همواره پس از فراغت از کارهای خود، آنگاه که تنها می‌شدند، تمام خدمتگزاران و کارگران اطراف خود از بزرگ و کوچک را گرداگرد خویش جمع می‌کردند و با ایشان سخن می‌گفتند و انس می‌گرفتند. هر زمان در کنار سفره می‌نشست، بزرگ و کوچک را فرامی‌خواند و در کنار خود می‌نشاند، حتی متصدیان اصطبل و رگزن را (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲: ۱۵۹).

۵. مدارا با دشمنان

جلودی یکی از درباریان عباسی و از مأموران سفاک ایشان بود. او همان کسی است

که در مدینه به خانه حضرت یورش برد و خانواده‌شان را آزرده و زیورآلات ایشان را به زور به یغما برد. وی در پایان عمر و در دوران کهنسالی مورد غضب مأمون قرار گرفت. حضرت که در جلسه مؤاخذه جلودی و همراهانش حضور داشت، از مأمون خواست جلودی را به خاطر او ببخشد. (همان، ج ۲: ۱۶۱).

همچنین مهرورزی با مردم (همان، ج ۱: ۱۸۴؛ همان، ج ۲: ۵۵۱؛ قمی، ۱۳۷۲: زیارت امام رضا (علیه‌السلام))؛ التزام به شیوه اخلاقی و منطقی در گفتگو با اندیشمندان ادیان و مذاهب مختلف (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۷۹ تا ۱۹۰)؛ اهتمام نسبت به خویشاوندان (همان، ج ۲: ۱۵۹)؛ مهمان‌نوازی حضرت (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸: ۲۳۰)؛ التزام به رویکردهای تربیتی در رفتار با مخاطبان (خسروی، ۱۳۸۰: ۱۰۲)؛ اهتمام به مشورت با مردم (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۲: ۴۵) و... را می‌توان از مؤلفه‌های اخلاقی کرامت از منظر حضرت رضا (علیه‌السلام) برشمرد.

– مؤلفه‌های دینی-حقوقی کرامت انسان از نگاه امام رضا (علیه‌السلام)

۶. حق حیات، آزادی اراده و امنیت شخصی و همه حقوق و آزادی‌های مدنی متعاقب آن

از نگاه حقوق اسلامی، چون انسان از کرامت ذاتی بهره‌مند است، نمی‌توان حق حیات، آزادی اراده، امنیت شخصی، حقوق فردی، آزادی‌های اجتماعی، حقوقی و سیاسی مانند: حق آزادی بیان، حق تحصیل، حق رهایی از هرگونه بردگی، اسارت، شکنجه و بازداشت خودسرانه را از وی سلب نمود (نظریور، ۱۳۸۸: اصول: ۹، ۱۹، ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۲۸، ۳۲، ۳۳، ۳۸) مگر آنکه در دادگاه صالحه مجرم شناخته شود. در عین حال، مجرم نیز از حق کرامت انسانی برخوردار است. لذا بجز تنبیه و مجازات جرمش، هرگونه توهین، دشنام، ایذا و سلب حق آب و غذا از وی، مجاز نیست (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۷: ۳۱۰). سیره عملی امام رضا (علیه‌السلام) بیانگر آن است که ایشان آزادی را موهبت الهی که

لازمه کرامت ذاتی انسان است دانسته و بر رعایت حقوق اقلیت‌های مذهبی اهتمام داشته‌اند. بر همین اساس به زکریا (یکی از شاگردانش) اجازه نداد آنگاه که یک ذمی غیرمسلمان که به فقر و گرسنگی دچار و حاضر شده بود فرزندش را به ازای تأمین خوراک او به بردگی بدهد، این امر را از ذمی بپذیرد و فرمود: «آزاده، خرید و فروش نمی‌شود و این کار شایسته تو و اهل ذمه نیست.»^۱ (طوسی، ۱۳۶۴ق، ج ۷: ۷۷).

امام (علیه‌السلام) همچنین ضمن حدیثی از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نقل می‌کند: «آنگاه که (جمعی) از مسلمانان از ایشان درخواست مسلمان شدن اجباری کسی که پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بر او غلبه یافته است، نمودند تا جمعیت مسلمانان زیاد شود و بر دشمنان غلبه کنند، پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) مستند به آیه «وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مَنْ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا» (یونس/۹۹) فرمود: «اگر ایمان را بر آنان اجباری می‌کردم، مستحق ثواب و مدح نبودند، لکن من می‌خواهم آنان در حالت اختیار و بدون اجبار ایمان آورند تا استحقاق تقرب به من و تحقق کرامت و استقرار دائمی در بهشتی جاویدان را بیابند.»^۲ (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۱۱).

همچنین سیره عملی آن حضرت مبتنی بر تبادل اندیشه و رواج منطق آزادی فکر و بیان و برگزاری مناظره‌های علمی با عنایت به مسائل انسانی، اخلاقی و حقوقی با اندیشمندان بوده و با توجه به مقبولات علمی و اعتقادی مخاطبان، با آنان مناظره می‌کرد و به مخالفان خود آزادی کامل در طرح سؤال و بیان عقیده می‌داد و طرف مناظره را در پذیرش یا رد مطالب آزاد می‌گذاشت. به‌عنوان نمونه، حضرت متعهد شد که بر اساس مقبولات تورات، انجیل، زبور و صحف ابراهیم و موسی (علیه‌السلام) با اهل ادیان و مذاهب مناظره کند. چنان‌که به جاثلیق پیشوای بزرگ مسیحیان فرمود: هرگاه بر پایه انجیل برای اثبات مطلب خود ادله بیاورم، آیا به درستی مطلب اعتراف خواهی کرد؟^۳ (همان، ج ۱: ۱۳۰). و به رأس‌الجالوت، عالم بزرگ یهودیان، فرمود: «دلیلی

۱. «لَا يُبَاعُ حُرٌّ، فَإِنَّهُ لَا يَصْلَحُ لَكَ وَلَا مِنْ أَهْلِ الذَّمَّةِ».

۲. «وَلَوْ فَعَلْتُ ذَلِكَ بِهِمْ لَمْ يَسْتَحِقُّوا مِنِّي تَوَابًا وَلَا مَدْحًا، لَكِنِّي أُرِيدُ مِنْهُمْ أَنْ يُؤْمِنُوا مُخْتَارِينَ غَيْرَ مُضْطَرِّينَ لِيَسْتَحِقُّوا مِنِّي الرَّزْقَ وَالْكَرَامَةَ وَدَوَامَ الْخُلُودِ فِي جَنَّةِ الْخُلْدِ».

۳. «يَا نَصْرَانِي، فَإِنْ احْتَجَجْتُ عَلَيْكَ بِانْجِيلِكَ أَتَقْرُبُهُ؟»

را از من نپذیر جز آنکه تورات از زبان موسی و انجیل از زبان عیسی و زبور از زبان داود و صحف ابراهیم و موسی از او نقل کرده است.»^۱ (همان، ج ۱: ۱۳۷). امام (علیه السلام) همچنین به جاثلیق فرمود: «از آنچه برایت ظاهر شده، بپرس.»^۲ (ابن بابویه، ۱۳۹۸ ق، ج ۱: ۴۲۰).

اباصلت درباره نفی هرگونه بردگی و استثمار در اندیشه امام رضا (علیه السلام) می گوید: «به امام عرض کردم، مردم می گویند شما مردمان را بندگان خود می شمارید!» امام (علیه السلام) ضمن اینکه این سخن را ادعا و اتهام برشمردند، فرمودند: «اگر مردمان بردگان ما هستند، ما آنان را از چه کسی خریده ایم؟»^۳ (همان، ۱۳۷۸: ج ۲، ۵۲۱).

نمونه‌ای از رفتار عادلانه و انسانی حضرت در راستای رعایت کرامت انسان‌ها با پیروان ادیان و فرق مختلف، سخن یاسر خدمتگزار حضرت است. وی می گوید: از نیشابور نامه‌ای به این مضمون به مأمون رسید که مردی زرتشتی هنگام مرگ وصیت کرد تا ثروت فراوانی را که از او باقی مانده میان فقرا و بینوایان تقسیم کنند. قاضی نیشابور آن اموال را میان فقرای مسلمانان تقسیم کرده است. امام رضا (علیه السلام) در پاسخ به سؤال مأمون در این خصوص فرمود: زرتشتیان برای بینوایان مسلمان وصیت به صدقه نمی کنند. نامه به قاضی نیشابور بنویس تا همان مقدار از حق صدقات فقرای مسلمانان بردارد و به فقرای زرتشتی بدهد^۴ (همان، ج ۱: ۳۰۶).

۴. «کرامت انسان» از منظر مبانی انسان‌شناختی اومانیسم

اساسی‌ترین مؤلفه‌ها و مبانی فلسفی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی اومانیسم، با عنایت به نحله‌های مختلف آن، عبارت است از:

۱. «لا تقبل منی حُجَّه الا بما تنطق به التوراه او الانجیل او من الزبور داوود، او بما فی صحف ابراهیم و موسی».

۲. «سل عما بدا لک».

۳. «إذا کان الناس کلُّهم عبیدنا علی ما حکوه عَنَّا، فَمَنْ نَبِیْهِمْ».

۴. «إنَّ المجوس لا یتصدَّقون علی فقراء المسلمین فاکتب إلیه. أن یرخر بقدر ذلک من صدقات المسلمین فیتصدَّق به علی فقراء المجوس».

۱. محوریت انسان و پایبندی مطلق به خواسته‌هایش.
۲. طبیعت‌گرایی، انکار خداوند و همه حقایق ماورای طبیعی.
۳. اعتقاد به عقل و اختیار به‌عنوان جنبه‌های بنیادین وجود انسان
۴. اعتقاد به عقل و شک‌گرایی به‌عنوان ابزار کشف همه واقعیت‌های معرفتی، حقوقی، علمی و... و ساختن جامعه انسانی (خرد‌گرایی افراطی) (لاند، ۱۹۹۶م، ج ۲: ۵۶۷).
۵. ضرورت جستجوی پیوسته برای یافتن شناخت‌های جدید که همواره ادراک‌های ناقص ما را دگرگون می‌سازد.
۶. اعتقاد به اینکه تبیین جهان بر اساس واقعیت‌های ماورای طبیعی (خدا و دین) در راستای حل مشکلات بشری، تلاشی برای بی‌ارزش کردن کرامت عقل انسانی است.
۷. باور به اینکه همه ایدئولوژی‌ها و سنت‌های دینی، سیاسی و اجتماعی باید به‌وسیله خود انسان ارزش‌گذاری شود، نه آنکه بر اساس ایمان پذیرفته شود.
۸. اعتقاد به اینکه اومانیسم جایگزینی واقع‌بینانه به‌جای الهیات ناامیدکننده و ایدئولوژی‌های زیان‌آور است، زیرا با اعتقاد به اومانیسم، امید، حقیقت‌طلبی، تساهل، بردباری، عشق، ترحم، دلسوزی، زیبایی و عقل‌گرایی به‌جای بدبینی، یأس، جزم‌گرایی، گناه، خشم و نفرت، تعصب‌ها و ایمان کورکورانه و غیرعقلایی حاکم می‌گردد.
۹. التزام به جدایی نهادهای دینی از دولت‌ها.
۱۰. ضرورت پرورش هنر مذاکره و گفتگو به‌عنوان ابزار حل تفاوت‌ها و تقابل فهم‌های مختلف (دیویس، ۱۳۷۸: ۷-۳۲؛ ۴۵-۵۰ با تلخیص).

۵. مبانی کرامت انسان در انسان‌شناسی اومانیسم

انسان‌شناسی و در نتیجه «کرامت انسان» در فلسفه سیاسی اومانیسم، به‌طور مستقیم تحت تأثیر هستی‌شناس این مکتب است. از این‌رو، مبانی و مؤلفه‌های کرامت انسان از منظر این مکتب عبارتند از:

۱. از آنجاکه اومانیسم انسان را مالک همه چیز و محور همه امور می‌داند و در شأن طبیعی و مادی‌اش خلاصه می‌کند، لذا کرامت انسان را نیز برخاسته از حق طبیعی (حقوقی) که برخاسته از طبیعت انسان و تمایلات و عواطف فطری اوست) و حیثیت ذاتی او - نه برخاسته از منشأ الهی و دین - می‌داند. از این‌رو، کرامت انسان و حقوق انسانی برخاسته از آن مانند حق حیات، آزادی‌های اجتماعی، حق مالکیت و حق حاکمیت بر سرنوشت خویش را تحت هیچ شرایطی قابل سلب نمی‌داند.

۲. در پارادایم اومانیسم، کرامت ذاتی انسان تنها در ساحت مادی، دنیوی و اجتماعی او و در ارتباط انسان با جامعه و سایر انسان‌ها مطرح است و همه انسان‌ها بدون هیچ قیدوشرطی از آن بهره‌مندند و کرامت ارزشی و دینی و معنوی مربوط به رابطه خلق با خالق است و در حوزه فردی و اجتماعی موضوعیت دارد. از این‌رو، نباید ارزش‌های عقیدتی را در حوزه جامعه و حکومت تسری داد، به‌طوری‌که نباید موجب حقوق و مزایا گردد. به‌همین دلیل، دخالت دولت و حکومت در امور دینی و معنوی، ضد کرامت است.

۳. خرد انسان، جای خدا و دین را می‌گیرد و دین و معنویت را بی‌ارزش می‌کند و از زندگی به حاشیه می‌راند. از این‌رو، در اومانیسم با باورهای فکر و نظام‌های فکری، فلسفی و ارزش‌های برخاسته از آن مخالفت می‌شود و وجود مذهب به‌عنوان عامل روبنایی و در راستای ترویج ارزش‌های شخصی انسانی و اصلاح اجتماعی قلمداد می‌شود. در نتیجه، شایستگی‌های شخصیتی انسان بدون ایمان به خدا شکل می‌گیرد.

۴. در اومانیسم، انسان آزادی و اختیار مطلق می‌یابد، به‌گونه‌ای که هیچ‌کس

نمی‌تواند و نباید این آزادی و اختیار را از او بازستاند.

۵. اومانیسیم می‌کوشد تا ارزش‌های انسانگرا و مادیگرایانه خود را بر تمام عرصه‌های فرهنگی، علمی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... حاکم کند. برخی از لوازم مهم این دیدگاه عبارتند از:

- پوچی‌گرایی و نامعقول دانستن اصل آفرینش جهان (وکیلی، ۱۳۸۴: ۳۶).

- حکومت و نظام سیاسی باید بر اساس کرامت ذاتی و سرشت مشترک انسان‌ها بنا شود و حق و قانون از آن مشروعیت می‌گیرد.

- خاستگاه قانون، میل و اراده تعدیل‌نشده انسان‌ها و آزادی مردم است.

- تساهل فرهنگی و تسامح عقیدتی و... از ضروریات حکومت است.

- وضع قانون باید به حداقل برسد و انسان‌ها بر اساس طبیعت و کمال خود رفتار کنند.

- آرمان‌های نهایی انسان باید در قلمرو حیات مادی و زندگی دنیوی تفسیر شود.

- از این‌رو، فردگرایی افراطی و ترجیح مصالح فرد بر جامعه، منفعت‌طلبی افراطی و بهره‌گیری هرچه بیشتر از مواهب طبیعت از هر راه ممکن، لذت‌جویی افراطی و ارضای خواهش‌های نفسانی و... در زمره حقوق انسان شمرده می‌شود (کهون، ۱۳۸۱: ۲۵۹ تا ۲۷۲ و ۲۸۱ تا ۳۱۸؛ دیویس، ۱۳۷۸: ۶ و ۳۶ تا ۳۹ و ۹۲ تا ۹۴ و ۱۶۵ تا ۱۶۶؛ صانع‌پور، ۱۳۷۸: ۳۰، ۳۲، ۶۶، ۶۷، ۹۱، ۹۲؛ ۱۰۲، ۱۰۳؛ سبحانی، ۱۳۷۹).

۵. مقایسه تطبیقی کرامت انسان از منظر انسان‌شناسی امام‌رضا (علیه‌السلام) و اومانیسیم

اینک پس از بررسی مبانی و مؤلفه‌های کرامت انسانی از دیدگاه امام‌رضا (علیه‌السلام)

و اومانیسیم، برآنیم تا به مقایسه تطبیقی این دو دیدگاه پردازیم:

۱. از دیدگاه امام‌رضا(علیه‌السلام) افق اندیشه یک انسان مسلمان به دلیل اعتقاد به باورهای فراطبیعی و الهی، افزون بر حقایق عالم طبیعت، بر حقایق غیبی و باطنی نیز راه می‌گشاید، لیکن افق اندیشه انسان اومانستی به دلیل انکار هرگونه باور فراطبیعی و الهی، منحصر به عالم طبیعت و مواهب آن است و این به معنای محدودیت کرامت و حرمت انسان در حقیقت‌طلبی و کشف عوالم وجود و معارف آن است.

۲. از آنجاکه کرامت «شئونی نظری» مانند درایت، معرفت و شهود و «شئونی عملی» مانند جود و سخاوت و... دارد(جوادی آملی، ۱۳۷۲: ۱۰) و تحصیل کرامت، به‌ویژه مراتب عالی آن نیازمند احاطه کامل بر حقایق هستی، فلسفه خلقت انسان و جهان، درک ابعاد وجودی انسان و روند تکامل وی است و چنین احاطه گسترده هرگز محصول اندیشه و عقل مستقل بشری نیست، بلکه محتاج علم محیط و دانش گسترده است که باید از طریق نزول وحی و آموزه‌های برخاسته از سخنان و سیره اولیای الهی(نبوت و امامت) تأمین شود. از این‌رو، از نگاه امام‌رضا(علیه‌السلام) منابع معرفتی افزون بر عقل، حس و تجربه، شامل منبع وحی نیز می‌شود، تا در مواردی که عقل و منطق بشری توانایی تشخیص حق و باطل و خیر و شر را ندارد، مصالح واقعی بشر را تمییز داده و از این طریق، کرامت راستین و حقوق واقعی انسان را تأمین کند. از این‌رو، انحصار فهم انسان در عقل بشری، خلاف کرامت انسان است(همان، ۱۳۸۶: ۳-۸).

لذا فضل‌بن شاذان در زمینه ضرورت شناخت پیامبران و اطاعت از حضرتش نقل می‌کند: چون در وجود مردم و قوای آنان چیزی نیست که با آن مصالحشان را کامل سازند و آفریدگار نیز برتر از آن است که دیده شود، سستی و ناتوانی آنان از ادراک او آشکار است، پس چاره‌ای جز این نیست که میان خداوند و مردم، پیام‌آوری معصوم باشد که اوامر و نواهی و ادب(و آموزه‌های) او را به ایشان برساند

و آنان را به آنچه مایهٔ سود و زینشان است، آگاه سازد^۱ (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲: ۴۲۲). نتیجه آنکه، نبوت از شئون نظری کرامت انسان و مکمل آن است (مشابه با همین مضمون در عیون اخبارالرضا(علیه‌السلام)، ج ۲، ص ۲۰۴ آمده که حضرت عدم تمکین مردم از پیامبران را منجر به تکبر ورزی بر یکدیگر و رسوخ فساد و نفاق و اختلاف در بین آنان دانسته‌اند).

همچنین حضرت رضا(علیه‌السلام) شأن و جایگاه امامت را فراتر از آن دانسته‌اند که به وسیلهٔ عقول و آرای انسان‌ها شناخته شود. آنگاه در ادامهٔ سخن، «امام» را برگزیدهٔ خدا برشمرده و قرار گرفتن مقام امامت را برای ابراهیم(علیه‌السلام) و سپس در ذریهٔ ایشان، اکرام خداوند و موهبتی الهی دانسته‌اند آنجا که فرمود: «امامت جلیل‌القدر و عظیم‌الشأن و بلندمکان‌تر و ممنوع‌تر از نظر و دورتر در اندیشه است که مردم بتوانند آن را با عقول ناقص و آرای ناتمام خود (و به‌اختیار خود) امامی نصب کنند. حال آنکه خداوند عزوجل امامت را به ابراهیم خلیل اختصاص داده، پس از آن او را به نبوت و خلت مفتخر ساخت... امامت را در زمرهٔ برگزیدگان خود قرار داد. پس از آن، خداوند ابراهیم خلیل را مکرم فرمود به اینکه در ذریهٔ او عصمت و طهارت را قرار داد»^۲ (همان، ج ۱: ۱۹۱). و مشابه آن در عیون اخبارالرضا(علیه‌السلام)، ج ۱، ص ۱۹۵.

نتیجه این دیدگاه حضرت آن است که: نخست، اعتقاد به دین در راستای تأمین کرامت و حقوق راستین انسان است. دوم، معقولات بشری مانند آزادی انسان و تمایلات و خواسته‌های افراطی‌اش همانند لذت‌جویی، منفعت‌طلبی، فردگرایی و... باید به وسیلهٔ شریعت و عقل دینی هدایت شود تا در تضاد با کرامت راستین و حرمت انسان قرار نگیرد.

۱. «لَا نَبِيَّ لَنَا أَنْ لَمْ يَكُنْ فِي خَلْقِهِمْ وَ قَوَاهُمْ مَا يُكْمِلُونَ بِهِ مَصَالِحَهُمْ وَ كَانَ الصَّانِعُ مُتَعَالِيًا عَنْ أَنْ يُرَى وَ كَانَ ضَعْفُهُمْ وَ عَجْزُهُمْ عَنْ إِدْرَاكِهِ ظَاهِرًا، لَمْ يَكُنْ بَدَلَهُمْ مِنْ رَسُولٍ بَيْنَهُ وَ بَيْنَهُمْ مَعْصُومٌ، يُؤَدِّي إِلَيْهِمْ أَمْرَهُ وَ نَهْيَهُ وَ آدَبَهُ، وَ يَقْفُهُمْ عَلَى مَا يَكُونُ بِهِ اجْتِرَارُ مُنَافِعِهِمْ وَ مَضَارِّهِمْ»
 ۲. «إِنَّ الْإِمَامَةَ أَجَلُ قَدْرًا وَ أَكْثَمُ شَأْنًا وَ أَعْلَى مَكَانًا وَ أَمْنَعُ جَانِبًا وَ أَعْدُو عَوْرًا مِنْ أَنْ يُبْلَغَهَا النَّاسُ بِعُقُولِهِمْ أَوْ يَنَالُوهَا بِأَرْوَاحِهِمْ ... إِنَّ الْإِمَامَةَ حَصَّ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهَا إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلَ عَ بَدَا النَّبِيِّ وَ الْخَلَّةِ مَرْتَبَةَ ثَالِثَةً وَ فَضِيلَةَ شَرَفَهُ بِهَا ... وَ صَارَتْ فِي الضَّفْوَةِ ثُمَّ أَكْرَمَهُ اللَّهُ تَعَالَى بِأَنْ جَعَلَهَا فِي ذُرِّيَّتِهِ».

اما در نگاه اومانیستی قانون، حقوق و همه راهکارهای زندگی برخاسته از عقل مستقل بشری است که از خدا و دین و حیانی بیگانه است. نتیجه آن، سیطره قدرتمندان، رسمیت بخشیدن به هوی و هوس‌های بشری همچون همجنس‌بازی و... بر شئون زندگی و دور شدن از کرامت انسانی و حرمت اوست.

۳. از دیدگاه امام‌رضا(علیه‌السلام) انسان کرامتی ذاتی دارد که برخاسته از دمیدن روح الهی در او، مقام خلیفه‌الهی، فطرت الهی و قوه عقل و اختیار موهبتی از سوی خداوند است و کرامت و حقوقی دارد اکتسابی و ارزشی که برخاسته از ارزش‌های ایمانی، اخلاقی و عملی توصیه‌شده از سوی عقل و دین است. لیکن اگر خود انسان از روی اختیار زمینه نقض کرامت خویش را ایجاد کند، از برخی حقوق خود محروم می‌شود.

توضیح آنکه، اگر انسانی از روی هوی پرستی، خودکامگی و شهرت پرستی، همچنین جهل مرکب (اندیشه و تفکر ناقص) به این نتیجه برسد که کرامت دیگران را مراعات نکند، کرامتش از وی سلب می‌شود، لیکن اگر از روی جهل بسیط و با ناآگاهی باشد، حق کرامتش سلب نمی‌شود (جعفری، ۱۳۷۰: ۳۵۳ تا ۳۵۶). در نتیجه، کامل‌ترین حقوق برای مؤمنان است که به دلیل علم و تقوا از مرتبه انسایت بالاتری بهره‌مندند (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۶: ۴۶۴). و غیرمؤمنان به واسطه زیر پا نهادن برخی از تکالیف تعبّدی یا عملی، از برخی از حقوق خود محروم می‌شوند.

تأکید حضرت بر حقوق و کرامت انسانی مؤمن، از روایتی که به نقل از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) مطرح نموده‌اند هویداست، آنجا که فرمودند: «هر کس ذلت مؤمنی را طلب کند و او را دلیل شمارد، یا به دلیل فقر و تهیدستی او را به چشم حقارت بنگرد، خداوند در روز قیامت زشتی او را آشکار گرداند و رسوایش کند.» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲: ۳۳۰).

اما از نظر اومانیسم «کرامت انسان» منحصر در کرامت ذاتی اوست که نشأت گرفته از طبیعت و تمایلات و عواطف ذاتی اوست - نه ناشی از خداوند و دین - لذا در هیچ

۱. «من استدل مؤمنا او حقره لفقره و قلّه ذات یده، شهره الله یوم القیامه ثم یفضحه».

شرایطی قابل سلب نیست. به بیان دیگر، اومانیسیم منشأ کرامت انسان را طبیعت انسان می‌داند نه خداوند. لذا از منظر آنان، خداوند نیز حق سلب آن را نخواهد داشت. از این‌رو، آنان برای کرامت ارزشی و اکتسابی انسان‌ها ارزش دنیوی قابل نیستند و کرامت انسان را مستند به عقیده و مذهب و هرگونه افعال اختیاری‌اش نمی‌دانند. نتیجهٔ چنین تفکری آن است که افراد جنایتکاری که در طول تاریخ، حیات مادی و معنوی، آرامش، امنیت و حقوق اساسی بشریت را به‌خطر انداخته‌اند، مانند فرعون، هیتلر، معاویه، یزید و... همانند نخبگان و برگزیدگان ابنای بشری که در مسیر سعادت و هدایت، آرامش و امنیت بشری گام برداشته‌اند، مانند انبیا و اولیای الهی در برخورداری از کرامت، شرافت، منزلت و حقوق بشری یکسان هستند.

۴. از دیدگاه امام‌رضا(علیه‌السلام) کرامت انسان به ساحت‌های مادی و معنوی، فردی و اجتماعی و دنیوی و اخروی و در نتیجه به حکومت و نظام سیاسی تعمیم می‌یابد. لیکن، در اومانیسیم کرامت ذاتی انسان تنها در ساحت مادی، دنیوی و اجتماعی او و در ارتباط انسان با جامعه و سایر انسان‌ها مطرح است و همهٔ انسان‌ها بدون هیچ قیدوشرطی از آن بهره‌مندند؛ در حالی که کرامت ارزشی، معنوی و دینی مربوط به رابطهٔ خلق با خالق است و در حوزهٔ اجتماعی و حکومتی موضوعیت ندارد.

۵. از نگاه رضوی، انسانیت انسان «زیربنا» است و نیازهای مادی، نفسانی و غریزی او باید در حدّ معقول و مشروع تأمین شود. به‌طوری‌که استعدادهای انسانی و اخلاقی او را شکوفا و تعالی انسانی، معنوی و روحی او را تأمین کند. لیکن در نگاه اومانیسیم، انسانیت انسان «روبنا» است و صفات حیوانی، نفسانی و مادی او زیربنا و اصل تلقی می‌شود، لذا همه تلاش‌های انسان غربی بر آن است که حقوق و کرامت انسان در راستای تأمین نیازهای حیوانی و ارضای خواهش‌های نفسانی او در نظر گرفته شود و یا حداقل هماهنگ با بُعد حیوانی وی تأمین شود. نتیجهٔ این تفکر، تولید نظام اخلاقی و حقوقی با دستاوردهایی چون انحطاط شخصیت انسان، افزایش اضطراب و افسردگی، رشد خشونت در جامعه، تنازع بشریت در بقا، انحطاط اخلاقی انسان، شیطان‌پرستی و... است که به‌روشنی در جوامع غربی قابل مشاهده است.

۶. از نگاه امام(علیه‌السلام) مجازات‌های اسلامی اعم از آنچه از سوی خداوند در قالب ابتلائات دنیوی و کیفی‌های اخروی اعمال و یا از سوی حاکم شرع بر اساس قوانین فقهی اجرا می‌شود، به معنای سلب کرامت انسان نیست، بلکه به معنای پاکسازی نفس آنان از آلودگی‌های دنیوی و برحذر داشتن انسان‌ها از نقض کرامت دیگران و بازگشت به کمال و کرامت انسانی است، زیرا در نگاه اسلام، کرامت انسان هم منشأ حق است و هم تکلیف؛ یعنی نه تنها دیگران حق ندارند به کرامت انسان آسیب برسانند، بلکه خودش نیز حق ندارد کرامت خویش را سلب کند و تن به ذلت و خواری بدهد (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۴۶). لیکن، از منظر اومانیسیم عمل به قوانینی چون قصاص، دیات و حدود اسلامی، نقض کرامت و حقوق بشر شمرده می‌شود.

۷. هر چند اومانیسیم به دلیل بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، در زندگی مادی و دنیوی و در زمینه‌های علمی، صنعتی، رفاهی، حقوقی، پیدایش نظام سیاسی مدرن و... دستاوردهای نسبی داشته است، لیکن انسان را به دلیل باورهای نظری، اخلاقی، اجتماعی و سیاسی‌اش دچار عوارض گسترده و خطرناک سه نوع بحران معرفتی، اخلاقی و روانی گسترده کرده است.

پوچ‌گرایی، حیرت‌زدگی، شکاکیت افراطی، خوی استعماری، تجاوز به حقوق ملت‌های ضعیف، همجنس‌بازی، شهوترانی، برده‌داری نوین، تزلزل بنیان خانواده، استثمار زنان، اضطراب، افسردگی، خودکشی و... حقایقی هستند که بسیاری از جامعه‌شناسان و تحلیلگران سیاسی و اجتماعی غرب بدان اعتراف کرده و هشدار داده‌اند (تافلر، ۱۳۷۱: ۴ و ۵ و ۱۷؛ حاجتی، ۱۳۸۱: ۱۵۳ تا ۱۸۶).

۶. نتیجه‌گیری

اساسی‌ترین برتری‌های نظری و کاربردی کرامت انسان از منظر انسان‌شناسی حضرت رضا(علیه‌السلام) در مقایسه با مبانی انسان‌شناسی اومانیسیم عبارتند از:

۱. از دیدگاه امام‌رضا(علیه‌السلام) افق اندیشهٔ یک انسان مسلمان افزون بر حقایق عالم طبیعت، بر حقایق غیبی و باطنی نیز راه می‌گشاید، لیکن افق اندیشهٔ انسان اومانیستی منحصر به عالم طبیعت است (محدودیت کرامت انسان در حقیقت‌جویی).

۲. از منظر حضرت(علیه‌السلام) منابع معرفتی علاوه بر عقل، حس و تجربه، شامل منبع وحیانی نیز می‌شود تا با توسعهٔ تشخیص حق و باطل، کرامت راستین انسان تأمین شود. از این‌رو، انحصار فهم انسان در عقل بشری، خلاف کرامت انسان شمرده می‌شود.

نتیجهٔ این دیدگاه حضرت آن است که: نخست، اعتقاد به دین در راستای تأمین کرامت و حقوق راستین انسان است. دوم، معقولات بشری مانند آزادی انسان و تمایلات و خواسته‌های افراطی‌اش، همانند لذت‌جویی، منفعت‌طلبی، فردگرایی و... باید به‌وسیلهٔ شریعت و عقل دینی کنترل، تعدیل و هدایت شود تا در تضاد با کرامت راستین و حرمت انسان قرار نگیرد.

اما در نگاه اومانیستی قانون، حقوق و همه راهکارهای زندگی برخاسته از عقل مستقل بشری است که نتیجهٔ آن سیطرهٔ قدرتمندان، رسمیت‌بخشیدن به هوی‌وهوس‌های بشری همچون همجنس‌بازی و... بر شئون زندگی و دورشدن از کرامت انسانی و حرمت اوست.

۳. از نگاه امام‌رضا(علیه‌السلام) انسان «کرامتی ذاتی» دارد و «کرامتی اکتسابی، ارزشی و حقوقی» که برخاسته از ارزش‌های ایمانی، اخلاقی و عملی توصیه‌شده از سوی عقل و دین است. لیکن اگر خود انسان از روی اختیار موجبات نقض کرامت خویش را ایجاد کند، از برخی از حقوق خویش محروم می‌شود.

اما از نظر اومانیسیم، کرامت انسان منحصر در کرامت ذاتی اوست که نشأت گرفته از طبیعت و تمایلات اوست - نه ناشی از خداوند و دین. لذا، در هیچ شرایطی قابل سلب نیست و خداوند نیز حق سلب آن را نخواهد داشت. از این‌رو، آنان برای کرامت ارزشی

و اکتسابی انسان‌ها ارزش دنیوی قایل نیستند و کرامت انسان را مستند به عقیده و مذهب و هرگونه افعال اختیاری‌اش نمی‌دانند.

۴. از منظر امام‌رضا(علیه‌السلام) کرامت انسان به ساحت‌های مادی و معنوی، فردی و اجتماعی و دنیوی و اخروی و در نتیجه به حکومت و نظام سیاسی تعمیم می‌یابد، لیکن در اومانیسیم کرامت ذاتی انسان تنها در ساحت مادی، دنیوی و اجتماعی او و در ارتباط انسان با جامعه و سایر انسان‌ها مطرح است و همه انسان‌ها بدون هیچ قید و شرطی از آن بهره‌مندند. در حالی که کرامت ارزشی، معنوی و دینی مربوط به رابط خلق با خالق است و در حوزه اجتماعی و حکومتی موضوعیت ندارد.

۵. از نگاه رضوی، انسانیت انسان «زیرینا»ست و نیازهای مادی، نفسانی و غریزی او باید در حد معقول و مشروع و در راستای تعالی انسانی، معنوی و روحی او تأمین شود. لیکن در نگاه اومانیسیم، انسانیت انسان «روینا»ست و صفات حیوانی، نفسانی و مادی او زیرینا و اصل تلقی می‌شود. نتیجه این تفکر، تولید نظام اخلاقی و حقوقی با دستاوردهایی چون انحطاط شخصیت انسان، افزایش اضطراب و افسردگی، رشد خشونت در جامعه، تنازع بشریت در بقا، انحطاط اخلاقی انسان، شیطان‌پرستی و... است که به‌روشنی در جوامع غربی قابل مشاهده است.

۶. از نگاه امام(علیه‌السلام) مجازات‌های اسلامی به‌معنای سلب کرامت انسان نیست، بلکه به‌معنای پاکسازی نفس و برحذر داشتن انسان‌ها از نقض کرامت دیگران و بازگشت به کمال و کرامت انسان است، لیکن از منظر اومانیسیم عمل به قوانینی چون قصاص، دیات و حدود اسلامی، نقض کرامت و حقوق بشر شمرده می‌شود.

۷. هرچند اومانیسیم به‌دلیل بهره‌گیری از فناوری‌های نوین بشری، در زندگی مادی و دنیوی و در زمینه علمی، صنعتی، رفاهی، حقوقی، پیدایش نظام سیاسی مدرن و... دستاوردهای نسبی داشته است، لیکن انسان اومانیسیت غربی را به‌دلیل باورهای نظری، اخلاقی، اجتماعی و سیاسی‌اش دچار عوارض گسترده و خطرناک سه نوع بحران معرفتی، اخلاقی و روانی گسترده کرده است.

پوچ‌گرایی، حیرت‌زدگی، شکاکیت افراطی، خوی استعماری، تجاوز به حقوق ملت‌های ضعیف، همجنس‌بازی، شهوترانی، برده‌داری نوین، تزلزل بنیان خانواده، استثمار زنان، اضطراب، افسردگی، خودکشی و... حقایقی هستند که بسیاری از جامعه‌شناسان و تحلیلگران سیاسی و اجتماعی غرب بدان اعتراف کرده و هشدار داده‌اند.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم. ترجمه مکارم شیرازی.
- نهج البلاغه. ترجمه محمد دشتی.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۹۸ق). التوحید. قم: جامعه مدرسین.
- _____ (۱۳۷۸). عیون اخبار الرضا (علیه السلام). تهران: نشر جهان.
- _____ (۱۴۱۴ق). الخصال. قم: موسسه نشر اسلامیه.
- ابن شعبه حرانی، ابو محمد حسن بن علی. (۱۳۸۴ق). تحف العقول. ترجمه محمدباقر کمره‌ای. تهران: کتابفروشی اسلامیه.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۰۸ق). لسان العرب. بیروت: دار الاحیاء التراث العربیه.
- آندریه، لالاند. (۱۹۹۶م). موسوعه لالاند الفلسفیه. بیروت: منشورات عویدات.
- بابائی، غلامرضا. (۱۳۸۲). فرهنگ سیاسی. تهران: آشیان.
- بیات، عبدالرسول و دیگران. (۱۳۸۱). فرهنگ واژه‌ها. قم: مؤسسه اندیشه و فرهنگ دینی.
- تافلر، الوین. (۱۳۷۱). موج سوم، مترجم: شهیندخت خوارزمی. تهران: فرهنگ نشر نو.
- جعفری، محمد تقی. (۱۳۸۹). پیام خرد. تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
- _____ (۱۳۷۰). حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب. تهران: دفتر خدمات حقوق بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران.
- _____ (۱۳۹۰). حقوق جهانی بشر. تحقیق و تطبیق در دو نظام اسلام و غرب. تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۴). حق و تکلیف در اسلام. قم: اسرا.
- _____ (۱۳۸۶). «امام خمینی و کرامت انسان». ویژه‌نامه همایش بین‌المللی امام خمینی و قلمرو دین، ش ۱. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- _____ (۱۳۷۸). تفسیر موضوعی قرآن کریم (قرآن در قرآن). قم: اسوه.
- _____ (۱۳۸۱). فلسفه حقوق بشر. قم: اسرا.
- _____ (۱۳۸۹). ریحیق مختوم. قم: اسرا.
- _____ (۱۳۷۲). کرامت در قرآن. تهران: نشر فرهنگی رجا.
- _____ (۱۳۸۳). تفسیر موضوعی قرآن، صورت و سیرت انسان در قرآن. قم: اسرا.
- حاجتی، میر احمد رضا. (۱۳۸۱). عصر امام خمینی. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل‌البیت.
- حویزی، عبدعلی بن جمعه. (۱۳۸۳ق). نورالتقلین. قم: مطبعه علمیه.
- خسروی، موسی. (۱۳۸۰). زندگانی علی بن موسی الرضا (علیه السلام). تهران: نشر اسلامیه.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۳). لغت‌نامه. تهران: دانشگاه تهران.
- دیویس، تونی. (۱۳۷۸). اومانیسیم. مترجم: عباس مخبر. تهران: نشر مرکز.

- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۰۴ق). معجم مفردات الفاظ قرآن. تهران: دفتر نشر کتاب.
- روحانی، سیدحمید. (۱۳۵۸). بررسی و تحلیل از نهضت امام خمینی در ایران. قم: انتشارات دارالفکر.
- زرشناس، شهریار. (۱۳۸۳). واژه‌نامه فرهنگی - سیاسی. تهران: کتاب صبح.
- سبحانی، جعفر. (۱۳۷۹). «مکتب لذت‌گرایی در چهره‌های گوناگون». فصلنامه کلام اسلامی، ش ۳۴: ۱۷-۴.
- (۱۳۵۳). راه خداشناسی. تهران: نشر صدرا.
- صانع‌پور، مریم. (۱۳۷۸). نقدی بر مبانی معرفت‌شناسی اومانیسم. تهران: نشر کانون اندیشه جوان.
- صناعی‌پور، محمود. (۱۳۷۶). اصول و مبانی کرامت انسانی. تدبیر. ش ۵.
- صدرالدین شیرازی، محمد. (۱۳۶۰). الشواهد الربوبیه. تصحیح سیدجلال‌الدین آشتیانی. تونس: المركز الجامعی للنشر.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۶۳). ترجمه تفسیرالمیزان. تهران: کانون نشر انتشارات محمدی.
- طریحی، فخرالدین. (۱۳۹۵ق). مجمع‌البحرین. تهران: مرتضوی.
- طوسی، محمدبن حسن. (۱۳۶۴ق). تهذیب‌الاحکام. تهران: دارالکتب‌الاسلامیه.
- قرائتی، محسن. (۱۳۸۸). تفسیر نور. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قرشی بنابی، علی‌اکبر. (۱۳۷۱). قاموس قرآن. تهران: دارالکتب‌الاسلامیه.
- قمی، شیخ عباس. (۱۳۷۲). مفاتیح‌الجنان. قم: اسوه.
- کلینی، محمدبن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران: دارالکتب‌الاسلامیه.
- کهون، لارنس. (۱۳۸۱). از مدرنیسم تا پست‌مدرنیسم. مترجم: عبدالکریم رشیدیان. تهران: نشر نی.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحارالانوار. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- مصطفوی، حسن. (۱۴۱۶ق). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- معروف الحسنی، هاشم. (۱۳۸۲). زندگی‌نامه دوازده امام. مترجم: محمد مقدس. تهران: امیرکبیر.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۰). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب‌الاسلامیه.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله. (۱۳۸۸). شرح چهل حدیث. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- (۱۳۷۸). صحیفه. تهران: مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی (ره).
- میراحمدی، منصور و کمالی کوگی، محمد. (۱۳۹۳). «تحلیل مفهوم کرامت انسان در اندیشه سیاسی شیعه». فصلنامه علمی پژوهشی انقلاب اسلامی. س ۳. ش ۱۰.
- نظریور، مهدی. (۱۳۸۸). آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. تهران: دفتر نشر معارف اسلامی.
- وکیلی، هادی. (۱۳۸۴). نقد و مبانی اومانیسم و حقوق بشر غربی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.